

تحلیل آیین عبور از سنگ سوراخی در شهرکرد بر مبنای نظریه آیین‌های عبور آرنولدون‌جنپ و توسعه هفت مرحله‌ای

* فاطمه مسیبی دهکردی

** حمید نصیری

چکیده

در فرهنگ ایران باستان، عناصر طبیعی مانند سنگ، آب و آتش نقشی محوری در آیین‌ها و باورهای معنوی داشتند. سنگ‌های دارای حفره، به‌ویژه «سنگ‌سوراخی»، در میان مردم به عنوان نمادهایی از شفا، تطهیر و باززایی شناخته می‌شدند. این پژوهش باهدف تحلیل و تطبیق مراسم عبور از سنگ‌سوراخی با نظریه‌ی «آیین‌های عبور» از «آرنولدون‌جنپ» انجام شده است. در باور سنتی منطقه، بیماران لاعلاج و زنان باردار با عبور از میان سنگی سوراخ‌دار، برای بهبودی یا زایمان سالم دعا می‌کنند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که این مراسم به‌وضوح با سه مرحله‌ی جدایی، گذار و آمیختگی دوباره که ون‌جنپ معرفی کرده، همخوانی دارد. عبور از سوراخ، نماد خروج از وضعیت نامطلوب و ورود به وضعیت جدید سلامتی است. بررسی‌های تاریخی و نمادشناسی نشان می‌دهد که این عمل، ریشه در آیین‌های رازآموزی مهرپرستی دارد که طی آن، فرد از تاریکی غار عبور می‌کرد تا به روشنایی معرفت و زندگی جدید دست یابد. در هر دو سنت، عبور از فضای محدود و تاریک، نماد تطهیر، تحول و تولدی دوباره است. این مقاله با بهره‌گیری از منابع مردم‌شناسی، اسطوره‌شناسی و مطالعات دینی، نشان می‌دهد که چگونه باورهای کهن آیینی، با تغییراتی در قالب فرهنگ عامه تداوم یافته‌اند و نمونه‌ای عینی از حفظ لایه‌های کهن در فرهنگ‌های محلی ایران را ارائه می‌دهد. سنت عبور از سنگ‌سوراخی بازمانده زنده‌ای از

* عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شهرکرد. ایران Fateme.mosayebi@sku.ac.ir

** کارشناس آموزش ابتدایی، دبیر آموزش پرورش چهارمحال و بختیاری، ایران.

Hamidnasiri۱۰۲@gmail.com

لایه‌های ژرف اسطوره‌ای و آیینی فرهنگ ایران باستان است و بررسی آن می‌تواند به فهم بهتر تداوم عناصر فرهنگی و دینی در جامعه ایرانی کمک نماید. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به درک بهتر از تداوم آیین‌های باستانی در جوامع امروزی سودمند باشد.

کلیدواژه‌ها: مهرپرستی، آیین عبورون جنپ، فرهنگ بومی شهرکرد، سنگ سوراخی تهلیجان.

۱. مقدمه

انسان در طول تاریخ همواره در مواجهه با تغییرات حیاتی زندگی، آیین‌هایی ابداع کرده است که هدف آن‌ها تسهیل فرآیند گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر بوده است. این آیین‌ها که در مردم‌شناسی تحت عنوان «آیین‌های عبور» شناخته می‌شوند، ساختاری ویژه دارند و در فرهنگ‌های مختلف جهان نمونه‌های مشابهی از آن‌ها مشاهده می‌شود. «آرنولد ون جنپ»، مردم‌شناس فرانسوی، با معرفی الگوی سه‌مرحله‌ای «جدایی»، «گذار» و «آمیختگی دوباره»، چارچوبی نظری برای تحلیل این آیین‌ها ارائه کرد. در ایران، بسیاری از رسوم بومی که در ظاهر ساده و عامیانه به نظر می‌رسند، ریشه‌هایی ژرف در سنت‌های دینی و آیینی کهن دارند. یکی از این رسوم، عبور بیماران و زنان باردار از «سنگ سوراخی»^۱ است که در باورهای محلی مردم شهرکرد با نیت شفا و امنیت در زایمان انجام می‌شود. این مراسم نه تنها یادآور الگوی «آیین عبور ون جنپ» است، بلکه بازتابی از آیین‌های رازآموزی در «مهرپرستی» نیز به شمار می‌رود، عبور از سنگ سوراخی نه تنها یک عمل خرافی نبوده، بلکه بازمانده‌ای از آیین‌های کهن تطهیر و باززایی است که به طور مستقیم با اصول معنوی مهرپرستی پیوند دارد. از نظر الیاده گذر از دروازه باریک و تنگ معادل گذر از یک وضع به وضع دیگر هستند و جهش و تبدل وجودی واقعی فراهم می‌کنند (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۳۵). در

^۱ حفره طبیعی در دل کوه تهلیجان شهرستان شهرکرد عمق حدوداً یک متر دارد و معروف است به سنگ سوراخی.

نتیجه، سنگ سوراخی به عنوان نمادی از گذار، شفا و تولد دوباره، بخشی زنده از حافظه فرهنگی مردم ایران باستان و نشانه‌ای از پایداری مفاهیم اسطوره‌ای در سنت‌های محلی به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، آیین مهرپرستی^۱ که یکی از مهم‌ترین ادیان رازآمیز ایران باستان و جهان رومی به شمار می‌آید، به طور ویژه بر مفاهیم تطهیر، بازتولد و تعالی روح از طریق گذر از مراحل مختلف تأکید داشت. بر اساس آموزه‌های مهرپرستی، نوآموزان می‌بایست از هفت مرحله یا رتبه عبور کنند که هرکدام نماد آزمون‌هایی روحانی و جسمانی برای آمادگی جهت اتحاد با مهر (میترا) بودند. این هفت مرحله شامل: کلاغ، عروس، سرباز، شیر، پارسی، خورشید، و پدر بود (رضی، ۱۳۸۱: ۵۹۲). و هرکدام با آیین‌های خاص و گذرگاه‌های نمادین همراه بود.

مقایسه تطبیقی میان آیین عبور از سنگ سوراخی و مراحل هفتگانه مهرپرستی نشان می‌دهد که در هر دو، عبور از گذرگاهی تنگ و سخت، استعاره‌ای از مرگ نمادین، پالایش روح، و تولد دوباره است. بیماران لاعلاج و زنان باردار با گذر از این حفره سنگی، به امید شفا یا زایمانی آسان، در حقیقت نوعی «مراسم بازآفرینی» را تجربه می‌کردند که ریشه در سنت‌های رازآموزی و آیینی ایران باستان دارد. ارتباط مستقیم با نیروی حیات‌بخش زمین مادر و تقدس طبیعت در مهرپرستی نیز در این سنت محلی مشاهده می‌شود. درست همانند «آیین‌های مهرپرستی که هدف آنها رستگاری و اتحاد با نیروهای کیهانی از طریق گذر از مراحل دشوار بود. آیینی که در آن، عبور از غار به عنوان نماد تولد معنوی و پیوستن به نور حقیقت تلقی می‌شد» (سن‌آرتور، ۱۳۸۱: ۹۸).

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی این سنت محلی با نظریه «ون‌جنپ» و تحلیل ریشه‌های کهن آن، تلاش می‌کند لایه‌های پنهان پیوستگی میان آیین‌های باستانی

^۱ Mithraism

و باورهای مردم امروز را آشکار سازد. اهمیت این مطالعه در شناخت استمرار فرهنگ آیینی و درک بهتر از تداوم ارزش‌های نمادین در جوامع معاصر است. هدف از انجام این پژوهش پیوند میان باورهای سنتی مرتبط با حفره‌های طبیعی نظیر «سنگ سوراخی» و عناصر آیینی آیین مهرپرستی است. در فرهنگ محلی، عبور بیماران و زنان باردار از این حفره به عنوان عملی شفابخش و تضمین‌کننده سلامت تلقی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش درباره آیین‌های عبور به‌عنوان یکی از کهن‌ترین ساختارهای فرهنگی انسان، سابقه‌ای طولانی در مطالعات مردم‌شناسی، دین‌پژوهی و اسطوره‌شناسی دارد. نخستین چارچوب نظری منسجم در این زمینه را آرنولد ون جنپ در کتاب کلاسیک خود "آیین‌های عبور" (۱۹۰۹) ارائه کرد. او با تحلیل مناسک گذار در جوامع مختلف، الگوی سه‌مرحله‌ای «جدایی»، «گذار» و «ادغام مجدد» را مطرح کرد که به‌سرعت به یکی از مبانی نظری کلیدی در تحلیل آیین‌های دینی و فرهنگی بدل شد.

پس از او، ویکتور ترنر در دهه ۶۰ میلادی با تمرکز بر مفهوم «لیمینالیتی» (وضعیت بینابینی)، این نظریه را توسعه داد و بر بُعد نمادین، ساختار شکنانه و دگرگون‌ساز مرحله‌ی میانی تأکید کرد. ترنر آیین‌های عبور را فرصت‌هایی برای بازسازی اجتماعی و فردی دانست. میرچا الیاده نیز در آثار متعدد خود مانند «آیین‌ها و نمادهای تشریف» و «مقدس و نامقدس» با رویکردی دینی و اسطوره‌شناختی، آیین‌های گذار را به مثابه سفرهای مقدس، تطهیر، باززایی و بازگشت به «مرکز هستی» تفسیر کرد.

در زمینه‌ی مهرپرستی نیز آثار برجسته‌ای مانند "The Mysteries of Mithra" نوشته‌ی «فرانتس کومونت» (۱۹۰۳) و پژوهش‌های «هاشم رضی» درباره‌ی «تاریخ آیین مهر در ایران»، ساختار پیچیده‌ی رازآموزی، مراحل هفت‌گانه‌ی ورود به آیین و نمادپردازی غار، سنگ و نور را برجسته کرده‌اند. این منابع نشان می‌دهند که مهرپرستی بر پایه‌ی گذار آیینی، زایش دوباره و عبور از تاریکی به سوی روشنایی استوار است.

در سطح پژوهش‌های بومی، تحقیقات مستقلی درباره‌ی آیین‌های محلی مرتبط با عناصر طبیعی در ایران - مانند سنگ، غار یا چشمه - انجام شده است که به بررسی باورهای عامه در حوزه‌ی شفا، زایمان و پالایش پرداخته‌اند. همچنین مقاله «بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری (براساس دیدگاه ونجنپ در مناسک گذار)» نوشته آقای «ولی الله نصیری» به تحلیل لباس‌های سنتی زنان بختیاری با استفاده از چارچوب نظری آرنولد ونجنپ، مردم‌شناس فرانسوی، می‌پردازد. در این مقاله، پوشاک نه صرفاً به‌عنوان عنصر زیبایی‌شناختی یا کاربردی، بلکه به‌مثابه یک نماد فرهنگی و عنصر آیینی بررسی می‌شود که با مراحل مختلف زندگی زنان ارتباط دارد. در این مقاله، پوشش زنان بختیاری در مراحل مختلف زندگی‌شان بر اساس همین الگو تحلیل شده است: پوشاک زنان بختیاری نه تنها عملکردی فیزیکی دارد بلکه حامل معنا و پیام‌های فرهنگی است. این پوشاک با کمک مفاهیم ونجنپ به عنوان بخشی از آیین‌های گذار عمل می‌کند و تغییرات هویتی، اجتماعی و روانی زنان را بازتاب می‌دهد. این نوع نگاه مردم‌شناختی، نشان می‌دهد که لباس در فرهنگ بختیاری وسیله‌ای برای بازنمایی مراحل زندگی و نقش‌های اجتماعی افراد است. با این حال، پژوهش حاضر یکی از معدود مطالعاتی است که به‌طور خاص، آیین عبور از «سنگ سوراخی» در منطقه تهلیجان شهرکرد را با ساختار نظری آیین‌های گذار و آیین مهرپرستی تلفیق می‌کند.

پژوهش حاضر ضمن بهره‌گیری از چارچوب نظری کلاسیک و توسعه‌یافته‌ی آیین‌های عبور، از منظر نمادشناسی و تاریخ ادیان، ریشه‌های معنایی و کارکردی این آیین بومی را تحلیل کرده و جایگاه آن را در حافظه‌ی فرهنگی مردم منطقه بررسی می‌کند. بدین ترتیب، نوآوری اصلی پژوهش، در تطبیق عمیق یک سنت محلی با مفاهیم گسترده‌ی دینی و مردم‌شناختی جهانی نهفته است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل تطبیقی - تفسیری انجام شده است. داده‌های اصلی تحقیق از سه منبع گردآوری شده‌اند: ۱. مطالعات کتابخانه‌ای بر مبنای آثار کلاسیک درباره آیین‌های عبور و آیین مهرپرستی ۲. مصاحبه‌های با افراد مسن و افراد آگاه از این رسم. تحلیل نمادین رفتارهای مردم‌نگارانه مرتبط با سنگ سوراخی در منطقه مورد مطالعه ۳. مقایسه تطبیقی ساختار آیین عبور در منابع نظری با مناسک محلی. برای تحلیل داده‌ها، از نظریه‌ی آیین‌های عبور آرنولد ون جنب به عنوان چارچوب مفهومی استفاده شده و الگوی سه‌مرحله‌ای او (جدایی، گذار، آمیختگی دوباره) برای بررسی سیر تحول و معنای نمادین مراسم عبور از سنگ سوراخی به کار رفته است. همچنین با بهره‌گیری از منابع تاریخ ادیان و اسطوره‌شناسی ایرانی، ارتباط این سنت با ساختارهای آیینی کهن مانند مهرپرستی بررسی شده است. روش کیفی به پژوهشگر اجازه داده است تا لایه‌های پنهان معنایی و نمادین این سنت را کشف و تبیین کند.

۴. غار و حفره به عنوان نماد زایش و تولد دوباره

غار در تاریخ و فرهنگ ایران به علت دارا بودن مکانی تاریک و اسرارآمیز، بستر مناسبی برای خلق داستان‌ها و افسانه‌ها گردید. در آیین مهرپرستی غار جایگاه مقدسی بود و محل تولد و ظهور ایزد مهر (میترا) دانسته می‌شد. «میترا شب یلدا به شکل یک جوان تنومند از دل تخته سنگی در درون غاری، به دنیا می‌آمد» (مشتاق، ۱۳۹۳، ۵۹۰). از آنجا که این نوع تولد در بردارنده مفاهیم عمیق و وسیع می‌باشد لذا بخشی از این ماجرا مرتبط و همسو با مبحث سنگ سوراخی است که مورد بررسی و تحلیل خواهد گرفت. تولد مهر از غار تبلور چرخه نور و ظلمت مرگ و تولد و آفرینش از دل بی‌نظمی کیهانی است. «مهر در آغاز خدایی ایزدگونه و حافظ پیمان‌ها بود که بعدها با گسترش آیین مهرپرستی، به ایزدی کیهانی و ناجی روح انسان بدل شد» (آموزگار، ۱۳۸۶، ۷۲). این منجی انسان را از چرخه مرگ تاریکی و جهل نجات می‌دهد و به سوی نور مطلق می‌برد بنابراین مهرپرستی آیینی بود پر از مراحل نمادین عبور: گذر از

تاریکی به روشنایی (مثل عبور از غار به نور خورشید)، گذر از ناپاکی به پاکی، گذر از بیماری یا ضعف به سلامت و نیروی تازه .

در طول تاریخ، آیین‌های عبور و گذر از مسیرهای دشوار یا نمادین، یکی از ارکان اصلی فرهنگ‌های کهن در سراسر جهان بوده است. چنانکه می‌دانیم در اساطیر ایران و یونان دو قهرمان بزرگ و ملی این دو کشور یعنی «رستم و هرکول»، برای رسیدن به هدف و شخصیت کامل، از مراحل هفتگانه و یا ده‌گانه سختی‌ها با موفقیت عبور می‌کنند. در این میان، «سنگ سوراخی» در کوه‌های نزدیک سکونتگاه‌های انسانی، به عنوان نمادی از گذرگاه مقدس شناخته می‌شد که عبور از آن، به ویژه برای بیماران لاعلاج و زنان باردار، معنایی فراتر از عبور فیزیکی داشت. این سنت محلی، ریشه در باورهای عمیق اسطوره‌ای و مذهبی دارد که می‌توان آنها را در چارچوب نظری آیین‌های عبور مورد تحلیل قرار داد.

۵. «سنگ سوراخی» کوه تهلیجان - بازمانده‌ای از آیین‌های بومی

در ارتفاعات کوهستانی منطقه تهلیجان^۱ شهرستان شهرکرد^۲، پدیده‌ای طبیعی و فرهنگی وجود دارد که سال‌ها محل اجرای آیین‌هایی با ریشه در باورهای مردمان کهن این دیار بوده است. «سنگ سوراخی» نام حفره‌ای طبیعی در دل صخره‌های کوه تهلیجان است که به واسطه موقعیت خاص و شکل منحصر به فرد خود، جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ عامه منطقه داشته است. از دیدگاه «بهار» در «کتاب پژوهشی در اساطیر ایران» می‌توان ریشه قداست سنگ را در منشأ آسمانی آن جست‌وجو کرد^۳ (۱۳۸۱: ۸۰). تا چند دهه

^۱ Tahlijan

^۲ در نوشته‌های قدیمی به صورت تهلیجان معرب نوشته شده و اصل آن تهلگان می‌باشد. این نامواژه بصورت (تل + گ + ان) است و تل واژه‌ای کهن به معنی بلندی، تپه پرتگاه و یا دامنه کوه را گویند. قسمت دوم (گ) حرف هموند می‌باشد و قسمت آخر (ان) به معنی جایگاه، نسبت و کثرت. (بنی طالبی، ۱۳۸۹: ۱۸۰)

^۳ پیشینیان آسمان را سنگی یکپارچه بالای زمین می‌پنداشته‌اند. (بهار: ۱۳۸۱، ۸۰) واژه آسمان در اوستا «Asman-Asan» به معنی سنگ است. (همان: ۴۸)

پیش، مردم محلی بر این باور بودند که عبور از این حفره - به ویژه برای بیماران و زنان باردار - موجب سلامتی، گشایش و زایمانی آسان خواهد شد. این آیین معمولاً با عبور هفت باره از حفره همراه بود و با نیایش و امیدواری انجام می‌شد. چنین باورهایی بازتابی از پیوند عمیق انسان با طبیعت و تفسیر او از نیروی شفابخش آن به شمار می‌روند.^۱

انسان از دیرباز سنگ را می‌پرستیده است و گاهی نیز از آن به عنوان ابزاری دفاعی برای خود و درگذشتگانش سود می‌برده است (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۱۵). همچنین در شهر گندمان منطقه‌ای به نام «سنگ‌بر» وجود دارد اهالی بر این باورند که اگر در هنگام خشکسالی، این سنگ را از زمین بردارند، آن سال بارندگی بسیاری خواهند داشت (بیگدلی و همراهان، ۱۳۸۶: ۷۹-۹۷).

همچنین در شهرستان‌های بن و سورک نیز این چنین سوراخ‌هایی در دل کوه وجود دارند که این آیین‌ها درونشان اجرا می‌شده است. امروزه اگرچه اجرای این رسم متوقف شده است، اما «سنگ سوراخی» همچنان به عنوان بخشی از میراث معنوی و طبیعی منطقه تهلیجان شناخته می‌شود. این پدیده نه تنها جاذبه‌ای جغرافیایی، بلکه گواهی زنده بر حضور آیین‌ها و روایت‌های شفاهی در زندگی پیشینیان ماست؛ روایاتی که با گذشت زمان، جای خود را به خاطره و احترام فرهنگی داده‌اند. سنگ سوراخی به مثابه یک دالان عبور در نظر گرفته می‌شد. جایی که انسان نمادین از یک وضعیت (بیماری یا خطر زایمان) به وضعیتی بهتر (سلامت و تولد امن) تغییر می‌کرد.

۶. آیین عبور^۲ون جنپ

^۱ مصاحبه با افراد مسن و پیر بومی شهرکردی تا متولد دهه ۱۳۴۵ صورت پذیرفته همچنین پدر نگارنده (غلامعلی مسیبی دهرکردی) جزء افرادی بوده که به علت بیماری سخت در کودکی از این حفره عبور داده شده است. همچنین بانو سرور سلیمانی در ماه ششم بارداری در سال ۱۳۲۹ به نیت وضع حمل آسان از این معبر عبور کرده است.

^۲ rite of passage

آیین‌های عبور، از دیرباز بخشی از نظام‌های فرهنگی جوامع انسانی بوده‌اند. این آیین‌ها نه تنها مناسک دینی، بلکه ساختارهای اجتماعی و نمادین جوامع را نیز شکل داده‌اند. در استان چهارمحال و بختیاری، آیین عبور از سنگ سوراخی به عنوان یک نمونه برجسته از این مناسک، تا چند دهه گذشته برگزار می‌شده است. این پژوهش در پی تحلیل این آیین بر مبنای نظریه آیین‌های عبور ونجنپ و تطبیق آن با الگوهای توسعه‌یافته مردم‌شناسی است.

«آیین عبور» اصطلاحی است که نخستین بار توسط مردم‌شناس فرانسوی، آرنولد ونجنپ^۱ در کتاب مشهورش «آیین عبور»^۲ (۱۹۰۹) مطرح شد. او مشاهده کرد که در بسیاری از جوامع سنتی، تغییرات مهم زندگی (مثل تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ) با مجموعه‌ای از مراسم و مناسک خاص همراه است که حرکت فرد از یک مرحله‌ی زندگی به مرحله‌ی دیگر را نشان می‌دهد. او گفت که هر آیین عبور سه مرحله دارد و شامل مراحل ذیل است:

۱-۶. جدایی^۳

فرد یا گروه از وضعیت قبلی خود جدا می‌شود. مثلاً بیماری که خود را از جامعه جدا می‌کند یا کسی که برای ورود به مرحله‌ای جدید از زندگی آماده می‌شود.

۲-۶. گذار^۴

فرد در مرحله‌ی میانی قرار می‌گیرد؛ نه کاملاً در وضعیت قدیم است و نه کاملاً در وضعیت جدید. در این مرحله فرد «بینابین» و در حالت تعلیق است. آیین‌های عبور، مانند عبور از یک غار، یک رودخانه یا یک سوراخ سنگی، نماد این وضعیت میانی هستند.

^۱ Arnold van Gennep

^۲ Les Rites de Passage

^۳ Separation

^۴ Liminality / Transition

۳-۶. آمیختگی دوباره^۱

فرد پس از گذر از مرحله میانی، وارد وضعیت جدید می‌شود و دوباره با جامعه پیوند برقرار می‌کند، اما با هویت یا موقعیتی تازه (مثل کسی که از بیماری شفا یافته یا مادری که فرزند سالم به دنیا آورده) (ون‌جنپ، ۱۹۰۹).

اگر بخواهیم نمونه‌هایی ملموس از آیین عبور در فرهنگ کشور بیان کنیم جشن‌های سالانه مانند سده و نوروز، نمونه‌هایی از آیین عبور سال نو هستند. همچنین شب چهارشنبه سوری نیز یکی از آیین‌های عبور می‌باشد که جهت دور ریختن بدی‌ها و انرژی‌های منفی از روی آتش می‌پرند و پاکی و روشنایی آتش را جایگزین می‌کنند. به همین منوال در آیین مهرپرستی عبور از غار نشان‌دهنده‌ی گذار از جهل به نور حقیقت بود. در سطح بومی منطقه نیز یکی از آیین‌های عبور با «تغییر لباس‌های محلی زنان بختیاری مشخص شده که در این روند، پوشش ابزار کلیدی برای انتقالی هویت موقعیت و ارزش اجتماعی فرد در قالب دوشیزه، عروس و بانو به‌کار می‌رود» (نصیری، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۴۴).

۷. تطبیق آیین عبور ون‌جنپ و آیین عبور^۲ سنگ سوراخی

اگر بخواهیم نظریه آیین عبور ون جنپ را با آیین عبور از سنگ سوراخی در شهرکرد تطبیق دهیم باید گفت که ماهیت آیین‌ها «معلول ترس و امید انسان‌ها بوده و انسان‌ها از هر چیزی که می‌ترسیدند و یا به خیر هر چیزی که امیدوار می‌شدند، آنرا می‌پرستیدند». (معصومی، ۱۳۸۷، ۴۴) آیین عبور همیشه یک فرآیند نمادین است که در آن فرد با نوعی جدایی، تغییر و بازگشت دوباره روبرو می‌شود.

می‌توان گفت این آیین از آماده‌سازی ذهنی و بدنی آغاز شده و با عبور فیزیکی از یک روزنه نمادین، وارد مرحله گذار شده و در نهایت با مراسم سپاسگزاری و بازگشت به

^۱ Incorporation

^۲ هر نوع ایمان و اعتقاد به غیر از ماده را آیین گویند. آیین کوششی است برای درک آنچه درک نشدنی است و

بیان آن چیزی که غیرقابل تقریر است. (معصومی، ۱۳۸۷، ۴۴)

جامعه پایان می‌یابد. عبور از سوراخ سنگی، در واقع بازآفرینی یک سنت کهن برای تولد دوباره، شفا و ورود به مرحله‌ای تازه از زندگی است. در مهرپرستی هم «عبور از غار» دقیقاً همین معنا را دارد؛ نماد حرکت از تاریکی جهل یا درد به سوی نور آگاهی یا شفا.

جدایی: فرد بیمار یا زن باردار خود را از وضعیت پیشین (بیماری، خطر، یا نگرانی زایمان) جدا می‌کند.

گذار: عبور فیزیکی از سوراخ سنگ، همان مرحله‌ی «میانی» است که با نوعی خطر، امید، یا تطهیر همراه است.

آمیختگی دوباره: پس از عبور، فرد وارد وضعیت جدیدی می‌شود؛ سلامتی، شفا، یا زایمان موفق.

۸. نقش نیروی طبیعت در شفا

«در آیین‌های کهن مانند مهرپرستی، عناصر طبیعی (سنگ، آب، خورشید) نیروی مقدس و شفابخش داشتند» (الیاده، ۱۳۸۰، ۱۳۳). سنگ سوراخی به عنوان بخشی از بدن زمین حامل نیروی شفا، برکت و حمایت مادرانه طبیعت شمرده می‌شد. عبور از دل سنگ یا تماس با آن به معنای بازگشت به منبع زندگی و گرفتن نیرو از زمین مادر بود و نماد اتصال با قدرتی فراتر از انسان است.

سنگ به ویژه در مهرپرستی جایگاه خاصی داشت میترا از دل سنگ زاده شد که نشان دهنده خاستگاه کیهانی از ماده‌ای سخت و بنیادی بود «انسان باستان باور داشتند که روح‌ها یا نیروهای مقدس در درون سنگ چشمه درخت یا کوه ساکن‌اند. پس تماس با این عناصر نوعی تماس با مقدس بود از این رو آنها را شفا می‌بخشیدند یا گره گشا بودند» (الیاده، ۱۳۹۹: ۱۲۶) در داستان اساطیر جایگاه خدایان کوه و در داستان پیامبران مکان وحی آنان نیز کوه می‌باشد. در واقع کوه‌ها به دلیل ارتفاعشان نماد تلاش روح برای صعود از ماده به معنا هستند.

سنگ نشانه پایداری، قدرت و حفاظت بود بنابراین مقدس شد و تماس با سنگ توان انتقال این نیروها را دارد. حتی در اسلام لمس حجرالاسود نوعی تماس مقدس است. این تقدس عناصر طبیعی نه تنها بازتاب نیاز انسان به ارتباط با جهان بزرگتر و رمزآلود بود بلکه نوعی نگرش جهانی برای درک هستی به شمار می‌رفت. نکات مذکور در ارتباط با آیین مهر و آیین عبور در جدول ذیل قابل بررسی می‌باشد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- مقایسه‌ی مراحل آیین عبور در مهرپرستی و سنت سنگ سوراخی (نگارنده)

سنگ سوراخی	مهرپرستی	مراحل سه گانه ون جنپ
بیمار یا زن باردار با نیت شفا یا سلامت از وضعیت قبلی (بیماری، نگرانی) جدا می‌شود.	فرد از وضعیت دنیوی و زندگی عادی جدا می‌شود؛ آماده ورود به مراسم رازآموزی می‌شود.	جدایی
فرد از سوراخ سنگ عبور می‌کند؛ نماد ورود به مرحله‌ی میانی برای تطهیر یا شفا.	فرد وارد غار (مکان مقدس) می‌شود؛ نماد ورود به تاریکی و تغییر بنیادی.	گذار
بیمار بهبود یافته یا زن باردار با امید به سلامتی و زایمان آسان، به زندگی روزمره بازمی‌گردد.	فرد با هویت جدید (رازآموز) به جامعه بازمی‌گردد.	آمیختگی دوباره

۹. مراحل هفتگانه آیین عبور مطابق با آیین مهرپرستی

هرچند آرنولد ون جنپ در اثر بنیادین خود (۱۹۰۹) آیین‌های گذار را در سه مرحله‌ی کلی «جدایی»، «گذار» و «ادغام» تقسیم‌بندی کرد، پژوهشگران بعدی این

مدل را برای تحلیل مناسک پیچیده‌تر بسط داده‌اند. «ویکتور ترنر»^۱ در مفهوم «لیمینالیتی» یا «بینابینی» در کتاب «فرآیند آیینی: ساختار و ضد ساختار» به تشریح ابعاد میان مرحله‌ای آیین‌ها پرداخت و لایه‌های متعددی را در فرآیند «گذار»^۲ برجسته ساخت و توسعه داد و آن را فرصتی برای تغییر، آزادی و خلاقیت در نظر گرفت (ترنر، ۱۹۶۹). همچنین میرچا الیاده در تحلیل آیین‌های رازآموزی، ساختارهای تفصیلی‌تری از مراحل آماده‌سازی، ورود، آزمون، پالایش و بازتولد معرفی کرد (الیاده، ۱۳۹۹: ۷۴-۱۲۲). در میان مراحل مذکور از دید «الیاده» در کتاب «آیین‌ها و نمادهای تشریف» در مرحله ورود، دعوت و آمادگی برای فرد ایجاد می‌شود که منجر به جدایی وی از اجتماع و آغاز مراحل می‌گردد (الیاده، ۱۳۹۹: ۱۱۵). این موضوع با آیین مهرپرستی یعنی نیت و بردن از دنیای بیرون مطابقت دارد. همچنین آرنولدون جنپ در فصل اول و دوم کتاب آیین عبور خود به مسئله تطهیر پرداخته که شامل غسل، تراشیدن مو، تعویض لباس یا کناره‌گیری از جامعه هستند. این گونه تطهیر به صورت نمادینی برای جدایی از وضعیت پیشین و آمادگی برای عبور به مرحله گذار معرفی می‌شود (ون جنپ: ۱۹۰۹: ۱-۱۵). بعد از مرحله عبور که شرح آن به تفصیل بیان شد نوبت به مرحله «مرگ نمادین» می‌رسد که ترنر در فصل دوم کتاب خود آنرا شرح داده است. ترنر در این فصل مرحله بینابینی را با وضعیت‌هایی مانند مرگ، رحم، تاریکی و ناپدید شدن مقایسه می‌کند. او بیان می‌کند که در این مرحله، افراد از هویت‌ها و نقش‌های اجتماعی قبلی خود جدا شده و هنوز به وضعیت جدید وارد نشده‌اند، بنابراین در وضعیتی مبهم و بدون هویت مشخص قرار دارند. این وضعیت را می‌توان به عنوان نوعی «مرگ نمادین» تلقی کرد، زیرا فرد از ساختار اجتماعی قبلی خود می‌میرد تا برای تولدی جدید آماده شود (ترنر، ۱۹۶۹: ۴۴-۹۴). مرحله ادغام نیز از دیدگاه ون جنپ از نظر گذشت. مرحله آخر یعنی

^۱ Victor Turner

^۲ liminality

شکرگزاری و نیایش از منظر الیاده در کتاب «مقدس و نامقدس» فصل چهارم بخشی از بازگشت انسان به امر قدسی معرفی شده و این عمل نماد پیوند مجدد با هستی مقدس پس از گذار از بحران یا تغییر است (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

از طرفی آیین مهرپرستی که از شرق ایران تا سراسر امپراتوری روم گسترش یافت، یکی از دین‌های رازآموز با ساختار پیچیده آیینی است. «در این آیین، غار جایگاهی محوری دارد و نماد کیهان، زایش و بازتولد روحانی تلقی می‌شود. مهرابه‌ها غالباً در غارها یا بناهایی ساخته می‌شدند که نمایانگر غار باشند» (کومونت^۱، ۱۹۰۳: ۲۵-۶۰) و این امر به این دلیل است که «مهر از دل سنگی زاده شده است صخره‌ای آبستن شد و میترا را زایید... بنابراین تولد میترا حادثه‌ای است کیهانی» (ورمازن، ۱۳۸۷: ۹۴). از سوی دیگر میترا دارای صفت میانجی دو جهان روشنایی و تاریکی و یا نیکی و بدی است. حامی نیروی خیر علیه شر است و همچون رابطی میان فروغ محض و انسان مقید به مادیات حیات خاکی است (ورمازن، ۱۳۸۷: ۱۲۸). میترا مسئول حفظ نظم کیهانی، اجرای عدالت و یاری رساندن به ارواح در عبور از مسیر تاریکی به روشنایی است (بوویس^۲، ۱۹۷۹). در اسطوره میترا او از دل سنگ زاده می‌شود، یعنی از چیزی سخت، خاموش و بی‌جان حیاتی نو می‌جوشد. همین مفهوم در عبور از سنگ سوراخی بازتاب دارد: سنگی که عبور از آن با نیت درمان، باروری یا رهایی از درد انجام می‌شود به نوعی نقش «رحم نمادین» دارد. همانگونه که میترا از دل سنگ بیرون آمد عبور کننده نیز از دل سنگ می‌گذرد تا حیاتی تازه آغاز کند یا پاکی و شفا یابد. در خصوص نقش میانجی و شفاعتگر میترا قابل ذکر است که میترا در اسطوره‌ها میان تاریکی و روشنایی انسان و ایزدان و مرگ و زندگی ایستاده است. عبور از سنگ سوراخی را می‌توان کنشی آیینی برای جلب شفاعت یا یاری یک نیروی میانجی‌گر دانست. این عمل نماد عبور

^۱ Cumon

^۲ Boyce

از مرحله تاریک (بیماری، ترس، نازایی) به مرحله روشن (سلامتی، زایش، امید) است که با باور به حضور نیرویی واسط و نجات بخش همانند میترا انجام می‌گیرد. موارد بررسی شده در جدول ذیل قابل ذکر می‌باشند (جدول شماره ۲).

جدول ۲ - تطبیقی میان آیین عبور از سنگ سوراخی و آیین مهرپرستی (نگارنده)

مولفه	مهرپرستی	عبور از سنگ سوراخی
دعوت و آمادگی	نیت برای ورود به آیین	نیت کردن، آماده سازی ذهنی و بدنی نذر یا نیت شفا بخش
جدایی (فراق)	بریدن از دنیای بیرونی ورود به فضای مقدس (غار)	ورود به مسیر عبور، جدا شدن از محیط معمول
پاکسازی و تطهیر	غسل نمادین یا دعا آماده سازی روحانی برای ورود	شست و شو دعا تطهیر پیش از عبور از سوراخ
عبور (گذار)	عبور نمادین از تاریکی غار به روشنایی نور	عبور فیزیکی از سوراخ سنگ (تولد دوباره)
مرگ نمادین	تجربه نمادین مرگ برای تولد معنوی	نماد عبور از مرگ یا بیماری، مواجهه تاریکی
ادغام و تولد نو	پیوستن دوباره به جمع با هویت جدید	خروج از سوراخ با هویت شفا یافته یا متحول شده
شکرگزاری و نیایش	دعا به مهر و ایزدان، قدردانی از مسیر طی شده (پدر)	دعا به خداوند، اولیا یا مقدسات، نذر یا قربانی

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر با تکیه بر تحلیل تطبیقی آیین عبور از سنگ سوراخی در منطقه تهلیجان از توابع شهرستان شهرکرد، و بهره‌گیری از چارچوب نظری آرنولد ون جنپ در حوزه‌ی آیین‌های عبور، کوشیده است لایه‌های پنهان و ساختارهای معنایی این سنت بومی را آشکار کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این آیین، هرچند در ظاهر ساده و

عامیانه به نظر می‌رسد، در واقع بازتابی عمیق از نظام‌های نمادین و آیینی ایران باستان است. ساختار سه‌مرحله‌ای ون‌جنپ شامل «جدایی»، «گذار» و «آمیختگی دوباره» در این آیین به‌وضوح قابل ردیابی است: فرد با نیت شفا یا امنیت در زایمان، خود را از وضعیت پیشین جدا کرده، از حفره‌ای در دل سنگ می‌گذرد که نماد مرحله‌ی میانی، پرمخاطره و معلق است، و نهایتاً به وضعیتی جدید - با هویتی شفایافته یا تطهیر شده - بازمی‌گردد.

افزون بر این، مقایسه‌ی تطبیقی میان این آیین محلی و مراحل آیینی مهرپرستی، پیوندهای معنادار و ژرف‌ساختی فراوانی را نشان داد. در هر دو سنت، عبور از فضای بسته و تاریک (اعم از سوراخ سنگ یا غار آیینی) نماد گذار از مرگ نمادین به تولد جدید، از تاریکی به روشنایی، و از ناپاکی به پاکی است. مفاهیمی چون تطهیر، باززایی، میانجی‌گری نیروهای قدسی و هم‌راستایی با نظم کیهانی، همگی در ساختار هر دو آیین مشترک‌اند. حضور عناصر طبیعی همچون سنگ، کوه، و تاریکی، بازتابی از جهان‌بینی کیهانی اقوام باستانی است که در آن طبیعت، نه‌فقط زمینه‌ای برای زیست، بلکه ساحتی قدسی و حامل نیروهای نجات‌بخش تلقی می‌شد.

از نظر روش‌شناسی، این پژوهش نشان داد که به‌کارگیری نظریه‌های کلاسیک مردم‌شناسی همچون نظریه‌ی آیین‌های عبور ون‌جنپ، در کنار تحلیل اسطوره‌شناختی با بهره‌گیری از آرای الیاده و ترنر، می‌تواند در فهم و تبیین مناسک محلی که ریشه در باورهای رازآموزانه و ساختارهای اسطوره‌ای دارند، بسیار مؤثر باشد. تحلیل‌های نمادشناختی نیز نشان داد که سنگ سوراخی، همانند غار مقدس در آیین مهرپرستی، عملکردی هم‌زمان مادی و معنوی دارد: هم گذرگاه فیزیکی است و هم گذارگاه روانی و روحانی.

نکته‌ی اساسی این پژوهش آن است که سنت‌های شفاهی و آیین‌های محلی که امروزه ممکن است به چشم خرافه یا عادت‌های بی‌پایه نگریسته شوند، در واقع واجد معناهایی تاریخی، نمادین و کیهانی‌اند که بازتابی از مواجهه‌ی انسان با مفاهیم

بنیادین زندگی چون مرگ، زایش، رنج، امید و رستگاری‌اند. آیین عبور از سنگ سوراخی، نمونه‌ای گویا از چگونگی تداوم لایه‌های کهن فرهنگی در قالب‌های بومی و ساده‌شده‌ی امروزی است؛ لایه‌هایی که با گذر زمان و دگرگونی ساختارهای اجتماعی و معرفتی، اگرچه کارکرد اولیه خود را از دست داده‌اند، اما همچنان در حافظه‌ی فرهنگی جوامع محلی پایدار مانده‌اند.

بنابراین، بررسی آیین‌هایی از این دست، تنها بازخوانی یک سنت محلی نیست، بلکه فرصتی برای بازیابی هویت فرهنگی، شناخت استمرار تاریخی باورها و نیز فهم سازوکارهای درونی فرهنگ آیینی در ایران باستان است. پژوهش‌هایی از این جنس می‌توانند در جهت احیای میراث ناملموس فرهنگی، تقویت حافظه‌ی تاریخی جمعی، و بازاندیشی در نسبت انسان امروز با عناصر طبیعت و امر قدسی، نقش مؤثری ایفا کنند.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۶) *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵) *مقدس و نامقدس*. ترجمه نصرالله زنگوئی، تهران: سروش.
- الیاده، میرچا. (۱۳۷۲) *رساله در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری، تهران: توس.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۹) *آیین‌ها و نمادهای تشریف*. ترجمه محمدکاظم مهاجری. تهران: نشر کتاب پارسه.
- بنی‌طالبی، احمد. (۱۳۸۹) *مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد*. تهران: آزاد مهر.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱) *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگاه.
- سعیدبزرگ بیگدلی، اکبری، حبیب‌الله، محمدی، علیرضا. (۱۳۸۶) «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)»، *زبان و ادب فارسی (گوه‌گویا)*، دوره ۴ شماره ۱. صص ۷۹-۹۸.

- رضی، هاشم. (۱۳۸۱) آیین مهر تاریخ آیین رازآمیز میتراپی در شرق و غرب از آغاز تا امروز. تهران: بهجت.
- کیریستین، سن آرتور. (۱۳۸۱). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانیان. ترجمه احمد تفضیلی و ژاله آموزگار. تهران: چشمه.
- مشتاق، خلیل. (۱۳۹۳) فرهنگ هنر و دانستنی‌های وابسته. تهران: هنر مشتاق.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۸۷) اساطیر و آیین‌های باستانی جهان. تهران: سوره مهر.
- نصیری، ولی‌الله. (۱۴۰۱) «بررسی مردم‌شناختی پوشاک زنان و دختران در قوم بختیاری براساس دیدگاه ون‌جنپ «مناسک گذار»، مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۷، شماره ۵۰. صص ۱۱۹-۱۴۴.

- Boyce, M. (۱۹۷۹). Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices. Routledge & Kegan Paul
- Cumont, F. (۱۹۰۳). The Mysteries of Mithra. Open Court Publishing.
- Turner, V. (۱۹۶۹). The Ritual Process: Structure and Anti-Structure. Aldine Publishing.
- van Gennep, A. (۱۹۰۹). The Rites of Passage. University of Chicago Press (reprint).